



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

خبر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر

نویسنده:

علی صفایی حائری

ناشر چاپی:

لیلة القدر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	غدیر
۶	مشخصات کتاب
۶	روز غدیر
۶	غدیر
۶	توضیح
۶	۱ - ولایت چیست ؟
۸	۲ - زیربنای ولایت
۱۰	۳ - ضرورت ولایت
۱۰	۴ - هدف ولایت
۱۰	۵ - گام های رسول
۱۱	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

غدیر

مشخصات کتاب

سرشناسه : صفائی حائری علی ۱۳۳۰ - ۱۳۷۸. عنوان و نام پدید آور : غدیر/ علی صفائی حائری (عین - صاد). مشخصات نشر : قم لیلة القدر ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری : ۴۳ص. فروست : ... سری مباحث امامت و ولایت؛ ۴. شابک : ۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۰۹۸-۰-۸ وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری یادداشت : پشت جلد لاتینی شده: Ali Safaie Haeri. Ghadir. یادداشت : چاپ قبلی: لیلة القدر، ۱۳۸۴. (۳۱ص). یادداشت : چاپ هفتم. موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت موضوع : غدیر خم رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵/ص۴۷۷ غ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲ شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۲۹۰۰۲

روز غدیر

روز غدیر، روز نور، روز سرور، روز سرشاری و اکمال، روز باروری و اتمام، روز رهبری و ولایت است. (۱) و غدیر، خود برکه نور و عشق است و دریای شور و جوشش، آن هم در کویر کور و ریگزار مرگ. و غدیری، تشنه مشتاقی است که سال ها در کویر گردیده و ریگزارها را به صدا در آورده و مرگ را در کوله بار خود بسته تا به زندگی برسد و به زندگی برساند. و غدیری، مهاجر تنهایی است که بالاتر از رفاه می خواهد و بیشتر از آزادی و عدالت. در این روز، و در این غدیر گسترده، این مهاجر تشنه می تواند سیراب شود و این بالاتر و بیشترها را بدست بیاورد. از دست پیامبر صلی الله علیه و آله و با جام ولای علی علیه السلام

غدیر

توضیح

داستان غدیر و تاریخ، از عظمت غدیر و ضرورت ولایت و ریشه ای بودن این مسأله خبر می دهد. رسول در آن هنگام و در زیر آن آفتاب سوزان، آن همه جمعیت را برای چه ننگه می دارد و چه پیامی برای آنها دارد؟ باید این پیام اساسی ترین پیام او باشد و بزرگترین ستون دین او، چون او برای هیچ یک از پایه های دین خود، این گونه دعوت نکرد و این گونه مردم را گرد نیآورد. (۲) باید این مسأله را تحلیل کرد و توضیح داد که : ۱- ولایت چیست کم ۲- چه زیربناها و پایه هایی دارد؟ ۳- و چه ضرورتی ؟ ۴- هدف این ولایت و رهبری چیست ؟ ۵- رسول برای این ولایت و رهبری چه گام هایی برداشته ؟ باشد در این تحلیل، عمق پیام رسول، که شیعه را بپاداشت و تاریخ او را به خون کشید، لمس شود و احساس شود تا آنها که در راهند، بیشتر بتازند و آنها که سنگ راهند، به خود آیند، مبدا که نردبان دزد باشند و صندوق نسوز استعمار، که مؤمن کودن، صندوق نسوز کافر زرننگ است.

۱- ولایت چیست؟

این ولایت، بالاتر از محبت و دوستی و عشق است؛ که عشق علی در دل دشمنان او هم خانه داشت. آنها که شکوه و وقار کوه و زیبایی دشت و عظمت کویر و دریا و جلوه طلوع و غروب، اسیرشان می کند و چشمشان را می گیرد و دلشان را به بند می کشد، چگونه می شود شکوه و عظمت آن روح بزرگتر از کوه، زیبایی و گستردگی آن قلب وسیع تر از هستی و عظمت و ناپیدایی آن سینه ناپیدا از کویر و عمیق تر از دریا و جلوه آن طلوع بی غروب، چشم و دل و عشق و احساسشان را پر نکند. هر کس به هر

مشربی و عقیده ای ، می تواند دوستدار علی باشد. در علی ، علم و عشق ، تدبیر و شمشیر، حریت و عبودیت ، نجوای دل و آتش سخن ، زمزمه شب و فریاد روز، قدرت و عزت و تواضع و ذلت ، (۳) نرمش و آشنایی و خشونت و پایداری ، در علی این همه هست و این همه بخاطر حق است و برای اوست و این است که همه او دوست داشتنی است و حتی دشمنش در دل شیفته اوست و مخالفش در پنهان شیدای او. ولایت علی ، نه علی را دوست داشتن که فقط علی را دوست داشتن است. (۴) ولایت علی ، علی را سرپرست گرفتن و از هواها و حرف ها و جلوه ها بریدن است . و این ولایت ، ادامه ولایت حق است و دنباله توحید، (۵) آن هم توحیدی در سه بعد؛ در درون و در هستی و در جامعه ؛ که توحید در درون انسان ، هواها و حرف ها و جلوه ها را می شکند؛ هواهای دل و حرف های خلق و جلوه های دنیا را. و در جامعه طاغوت ها را کنار می ریزد و رد هستی خدایان و بت ها را. در این حد، موحد، جز خدا کسی را حاکم نمی گیرد. جز وظیفه چیزی او را حرکت نمی دهد. هیچ قدرت و ثروت و جلوه ای در روح او موجی نمی آورد و هیچ دستوری او را از جا نمی کند. جز دستور حق و امرالله ، از هر زبانی که این دستور برخیزد و از هر راهی که این امر برسد. و هنگامی که روحی به آزادی رسید و جز امر حق امری نداشت و جز خواست او خواهشی نداشت ، این روح به ولایت می رسد و به سرپرستی می رسد و دستور او و حتی نگاه او در دل های موحد عاشق ، حرکت می آفریند. و این است که رسول به ولایت رسید و به اولویت رسید؛ که النبی اولی بالمؤمنین من انفسم . (۶) و این است که علی به ولایت می رسد؛ که : من کنت مولا فهذا علی مولا . (۷) این هم پس از آن جمله استفهامی و اقراری الست اولی بکم من انفسکم ؟ و این است که پیشوایان دیگر به ولایت می رسند؛ که به عصمت و آزادی و آگاهی رسیده بودند. اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا . (۸) و این معانی ولایت است . ولایت یعنی تنها علی را حاکم گرفتن و تنها او را دوست داشتن و این و ولایت و سرپرستی است که معاویه و احمد حنبل و جرج جرداق و و از آن بهره ای ندارند، که حاکم در درون آنها و محرک در وجود آنها امر علی و دستور علی نیست ؛ که هواها و حرف ها و جلوه ها در آنها حکومت دارند. معاویه گرچه علی را دوست دارد، ولی سلطنت را بیشتر از علی خواهان است و دوستدار آن است . و احمد حنبل گرچه برای علی شعر می سراید اما حکومت دیگری را به عهده دارد. و جرج جرداق گر چه از چه از علی می نویسد، اما برای علی نمی نویسد؛ که محرکی دیگر دارد و عاطفه ای فقط او را به چرخ انداخته است . اما مالک ؟ این مالک است که ولایت علی را به عهده دارد و این بار گران را به آسانی می کشد. مالک چند سال برای نابودی معاویه رنج کشیده و کوشش کرده است . خویش و فامیل و قبیله اش را به خون کشیده ، شب ها و روزها را بر روی لبه تیغ و سر نیزه ها گذرانده و شمشیر زده و شمشیر زده تا این که لشگر شام را عقب رانده و معاویه را به حرکت وادار کرده و در بیرون از خیمه آماده فرار نموده ، هان چیزی نمانده تا این بت بزرگ بشکند و این طاغوت سرکش بمیرد و یا فراری شود و مالک به هدف نهایی ، به پیروزی محبوب دست بیابد و در میان قومش و در میان تمام مردم به بزرگی معرفی شود و بر رقیب خودش . اشعث و بر قبیله رقیبش ، کنده ، پیروز شود. درست در این هنگام ، در این هنگام ، علی او را می خواند، علی او را می طلبد. علی می گوید که برگرد. و این از مرگ سخت تر و این از مرگ جانکاه تر است . مخالفت یک هوی ، مخالفت یک هوس ، مخالفت با یک حرف و گذشتن از حرفهای خلق ، مخالفت با یک جلوه از جلوه های دنیا ما را می شکند، ما را از پای در می آورد. ما از راه حق با یک حرف با یک فحش با یک پیشیز باز می گردیم و اما مالک ؟ و اما مالک ؟ او از تمام هواهای چند ساله و تمام حرف های مردها و زن های عرب و از زمزمه خفیف زبان ها بر سر راه مردان فاتح و از نگاه های شیفته سرداران و پیروز و از تمام جلوه های دنیا، از این همه می گذرد و باز می گردد و به علی این سرپرست آگاه ملحق می شود. چرا؟ چون در درون مالک ، دیگر هواها و غریزه ها حرف ها و زمزمه های زن های عرب جلوه های پررنگ و برق دنیا حاکم نیست ، اینها کوچکتر از این هستند که در روح بزرگ مالک موجی و حرکتی ایجاد کنند. این بادهای بی رمق بیچاره تر از این است که در این دریای بزرگ ، طوفانی بپاکنند: مالک از هواها از حرف ها از جلوه های دنیا بزرگتر است و عظمت او اسیر این حقارت ها نیست . او در سطح غریزه نیست . او انسانی است

که در حد وظیفه زندگی می‌کند و زندگی و مرگ او با این معیار می‌خواند، او کوه است از طوفان نمی‌لرزد. او کاه نیست تا با نسیمی از دهنی زیر و رو شود. او به ولایت رسیده و از نعمت ولایت برخوردار است. نشستن و ایستادن و آمدن و رفتن و دوست داشتن و دشمن داشتن او همه از سمت ولی کنترل می‌شود؛ نه از طرف هواها و حرف‌ها و جلوه‌ها. مالک این را یافته که علی این مرد آزاد از غیر حق و این انسان آگاه حق، بیش از مالک به مالک علاقه دارد و بیش از مالک از مصالح و منافع مالک آگاهی دارد و بیشتر از مالک به منافع او می‌اندیشد و بهتر به منافع او می‌اندیشد؛ پس دیگر جای درنگ نیست و جای سرکشی نیست؛ که سرکشی‌ها حماقت‌های زیان‌آوری بیش نیستند. جای تسلیم است و اطاعت و پیروی و تشیع و دنباله‌روی.

۲- زیربنای ولایت

و زیربنا و سر آن همه فداکاری و جان‌بازی شیعه در طول تاریخ همین شناخت و همین یافت برهانی و عینی است. ۱- او می‌داند که ولی بیش از او به او علاقه دارد. ۲- و بیش از او به منافع او آگاهی دارد، لذا امر او هرچه باشد می‌پذیرد و دستور او را هرچه باشد گردن می‌نهد و حتی به میان آتش می‌نشیند و به استقبال مرگ می‌رود. مگر نه این است که می‌میریم؟ پس بگذار مرگی را انتخاب کنیم که زندگی‌هایی را بارور کند و بهره‌هایی بیاورد. مگر نه این است که ما از کسی چیزی اطاعت می‌کنیم، پس بگذار اطاعت از آگاه دلسوز و مهربان باشد. شناخت آگاهی و دلسوزی، اطاعت را، تسلیم را بدنبال می‌کشید و مالک می‌دانست که ولی بیش از خود او، را دوست دارد. علاقه من به خودم، علاقه مالک به خودش، یک علاقه‌گریزی است و علاقه علی، علاقه ای از روی وظیفه است. مالک خودش را برای خودش می‌خواهد و علی مالک را برای خدا می‌خواهد. و تفاوت علاقه‌ها به همان اندازه است که انگیزه علاقه‌ها با هم تفاوت دارند. و آنها می‌دانستند و مالک می‌دانست که ولی بیش از او به منافع او آگاهی دارد. آخر دید ما محدود است، خیلی که بیند بیش از این گذرگاه هستی؛ این محدوده هفتاد ساله و این فرصت از زمان را نمی‌بیند؛ از قانون‌ها از عوامل حاکم بر تمام هستی آگاهی ندارد و چه بسا که آنچه در این محدوده و در این هفتاد ساله مفید باشد در مجموعه حیات‌ها و زندگانی‌های ما جز ضرر چیزی نداشته باشد. ضرر یا نفع یک پدیده را به یک روز و دو روز آن را کشف نمی‌کنند. چه بسا یک دارو یک غذا یک سیگار که امروز در من شور و حال و خوشی هم بیاورد اما در مجموعه عمر من به ضرر و زیان بینجامد. انسان پس از گسترش دانش‌هایش اگر چیزی را بدست بیاورد و چیزی را کشف کند، همان‌هایی است که تجربه اش کرده و با آن روبرو بوده است و چه بسیار عوالمی که هنوز به آن نرسیده ایم و تجربه اش نکرده ایم و چه بسیار مراحلی که هنوز از آن بی‌خبریم و غافلیم. و بخاطر این محدودیت در دید و این وسعت در دیدگاه هستی است که انسان، به سوی خدا می‌شتابد و از او می‌پرسد و از او می‌پذیرد. او که به تمام هستی آگاه است؛ از تمام نفع‌ها و ضررها و از تمام اثرها؛ اثر یک غذا بر تمام سلول‌ها، آن هم نه در یک سال و دو سال هفتاد سال و در این محدوده هستی و در این عالم؛ و در این عالم؛ که در تمام طول راه، تا بینهایت. انسان هنگامی که تمام راه را رفت، آنگاه می‌یابد که اثر یک نگاه، اثر یک خیال، اثر یک تصمیم، بر تمام هستی و بر تمام عوالم تا چه اندازه بوده است و آنگاه می‌یابد که چقدر بر اثر بی‌توجهی و سرکشی ضرر کرده و زیان دیده است و آن روز بانگ بر می‌دارد و ناله می‌کند که: یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله و ان کنت لمن الساحرین. (۹) اما امروز خیلی هم که دوربین به دست بگیرد و از وسایل علمیش کمک بستاند بیش از این محوطه، بیش این عالم را نمی‌بیند و نمی‌یابد و تجربه نمی‌کند. از این رو از آنچه از عوالم بعد می‌گذرد و از آنچه یک نگاه و یک لبخند و یک غذا و یک مشروب بدنبال می‌آورد نه در این محدوده بلکه در آن وسعت و در آن مرحله بیگانه است. این پیداست که ناچار یا وحی آشنا می‌شود و از خدا مدد می‌گیرد. و خدا روح‌هایی را از پلیدی جدا کرده و به عصمت رسانده و او دل‌هایی را با نور (۱۰) و با فرقان، (۱۱) همراه نموده و او برای آنها از تمام هستی حکایت کرده و بر طبق قانون‌هایی گذاشته و دستورهایی داده و به آنها سپرده است. و مالک که این

همه راه یافته ، سرسپرده روح معصوم آگاه مهربان می شود و ولایت او را به عهده می گیرد. و این ولایت و سرسپردگی است که بر اساس این همه شناخت و برهان و منطق استوار است . و این ولایت است که ادامه توحید است و این ولایت است که همه فداکاری و از خود گذشتگی و تسلیم را به دنبال می آورد. و بر اساس این ولایت است که مالک طرز خوابیدن و بیدار شدن و خوردن و آشامیدن و رفتن و آمدن و نگاه کردن و نشستن و ایستادن و مسافرت کردن و معاشرت کردن و و تمام رفتار و گفتار و پندار خود را از ولی می پرسد و از او می گیرد. و همان طور که من وقتی می یابم که فلان مکانیک آگاهی و دلسوزی دارد، تمام اجزاء ماشین را تحت اختیار او می گذارد و تمام مسایل را از او می پرسم و از او می گیرم . آنها که ولایت را قبول کردند، آنهایی هستند ماشین پیچیده وجود آنها را امام و ولی بهتر از خود آنها رهبری می کند و در این را شلوغ هستی که اعمال و افکار انسان غوغایی بپا کرده ، او بهتر انسان را به قصد می رساند و نجات می دهد. و توضیح این ولایت و سرسپردگی در همین آگاهی نهفته است . وجود ما، جان ما، برای خداست و از اوست . هر کس که اینها را بهتر به کار بگیرد، در اینها حق تصرف دارد. و همین است که رسول خدا و پیشوایان اولویت دارند. به تصرف در هستی ما، سزاوارتر از ما هستند. و همین است که پدر بر فرزند و بر اموال فرزند ولایت دارد و حق تصرف دارد. و در این هنگام و پس از آن همه توضیح می توانم بگویم که چرا ولایت بزرگترین نعمت هاست و بالاترین نعمت هاست و به تعبیر قرآن متمم نعمت هاست ؛ (۱۲) چون این مقام ولایت است که تمام نعمت ها را به کار می گیرد و به جریان می اندازد و این مقام ولایت است که تمام استعدادها را شکفته می کند و بارور می نماید، درست مثل اینکه من یک کارخانه بزرگ وسیع را دارا باشم اما از طرز بهره برداری از آن بی خبر باشم . این کارخانه که می تواند در روز، بی نهایت به من سود برساند، بر اثر نبود آگاهی و جهالت من ، یک بار سنگین می شود که به مرور زمان مرا از پای در می آورد و خودش هم می پوسد و هدر می شود. یک مهندس آگاه و مهربان متمم این کارخانه وسیع و عظیم است . بدون او این همه نعمت ، این همه استعداد، راکد می ماند و حتی به هدر می رود و ضایع می گردد. ولایت او و سرپرستی اوست که نعمت های نهفته و سودهای پیچیده در کارخانه را آشکار می کند و به جریان می اندازد. و این ولایت متمم آن همه سرمایه و آن همه نعمت است . و این مقام ولایت است که از دل آن عرب های خون ریز تهیدست ، از دل آن مردان محدود گرفتار، روح هایی را بیرون کشید که تمام هستی را در یک گام طی کردند و حتی به بهشت قناعت نورزیدند. این مقام ولایت است که از ابوذر که برای هیچ زنده بود و برای هیچ می مرد، ابوذر بیرون کشید که برای حق زنده بود و برای او می مرد و حتی تنها می مرد. و این مقام ولایت است که از بلال ، بلالی که تا دیروز افتخارش به اربابش بود، بلالی آفرید که رویاروی اربابش می ایستاد و او را پست و حقیر و محدود می دید و به راهنمایش همت بسته بود و برای مبارزه اش آماده گشته بود. و این مقام ولایت است که از سلمان ، این کویر تشنه و این مسافر پایدار، دریایی ساخت ، دریایی از عظمت و آگاهی و عشق . و این مقام ولایت است که استعدادهای بشر را بیرون ریخت و خلق کریمه و استعدادهای خوب او را شکوفا کرد (۱۳) و از بشر، انسان بیرون کشید و او را از ظلمات نفس ، از ظلمت خلق دنیا، از هواها و حرفها و جلوه های پوچ ، به سوی نور هستی هدایت کرد.(۱۴) انسانی که دیگر در سطح غریزه و حرف ها و محدودها زندگی نمی کرد و با این معیارهای کم و کوتاه اندازه نمی گرفت . و انسان یعنی ، همین ، یعنی در سطح وظیفه زندگی کردن ، چون این حیوان است که تمام مسایلش با غرائزش حل و فصل می شود، حتی امنیت و رفاه و نظم و عدالت را با غریزه تامین می کند. آن نظم و رفاه و عدالتی که در کندو حاکم است هنوز در جامعه انسانی در شکل های مختلف کمونیستی و سرمایه داریش ، حکومت نکرده و نمی کند، مگر هنگامی که بشر از اسارت ها از ظلمات از هواها و حرف ها و جلوه ها آزاد شود و به عظمتی دست یابد که این حقارت ها را در خود نگیرند. و مگر هنگامی که بشر انسان شود. و در این حد، عدالت که هیچ ، حتی انفاق و ایثار هم ، رخ می نماید و آشکار می شود. و این است که ، آنهایی که بیشتر از رفاه و بالاتر از عدالت و آزادی را می خواهند، باید به غدیر رو بیاورند و از این جام سیراب شوند.

۳- ضرورت ولایت

هر جامعه همانند یک اندام، به مغز، به قلب، به خون - ثار (۱۵) - نیازمند است. مغزی که تمام راه را بیابد و قلبی که از عشق سرشار باشد و خونی که خون خدا باشد و پاک از هر گونه اعتیاد و خالی از هر گونه مرض و آزاد از هر گونه جرثومه فساد. و انسان محتاج نمونه و رهبر و حجتی است که امین (۱۶) باشد و به او خیانت نکند و نور (۱۷) باشد و راه او را روشن کند. انسان به روشنفکری و روشن دلی، به عشق و شناخت، به حجت، به نور، به امین، نیازمند است. و ولایت، عهده دار این نیازهای عمیق و عظیم انسان است، آن هم انسانی که می‌داند، نیازش بالاتر از رفاه و بالاتر از حریت و آزادی و بیشتر از عدالت است. هنگامی که انسان خود را بیشتر از یک دهان نمی‌بیند که با یک مشت روده گره خورده و با آلت تناسلیش ختم می‌شود. این دهان دراز، دیگر نه دین می‌خواهد و نه امام و نه رهبری و ولایت؛ که غریزه برای این و بالاتر از اینها کافی است. اما انسانی که می‌خواهد انسان باشد و جامعه‌ای انسانی تشکیل دهد، نه یک دامپروری بزرگ و یک کندوی عادل، این انسان ضرورت این شناخت و عشق و این مغز و قلب و خون و این حجت و نور و امام و امین را می‌یابد و به سوی او می‌شتابد و او را بر خویشتن مقدم می‌دارد؛ که او از او به او آگاه تر و مهربان تر و نزدیک تر است.

۴- هدف ولایت

این رهبری و سرپرستی بالاتر از امنیت و پاسداری و بالاتر از رفاه و پرستاری، هدف دارد. این رهبری در زمینه آزادی (۱۸) و با هدف آموزگاری و شکوفا کردن استعدادهای انسان و با هدف تشکیل جامعه انسانی بر اساس قسط همراه است که که علی می‌گفت: لیس امری و امرکم واحدا انی اریدکم لله و انتم تربدوننی لانفسکم. (۱۹) هدف من و شما یکی نیست. من شما را نه برای خودم و نه برای خودتان، که برای حق می‌خواهم، در حالی که شما مرا به خاطر خویشتن و منافع خود خواستارید. شما می‌بینید من مثل عثمان نیستم که شما را بچاپم، به این خاطر به من روی آوردید، اما من شما را نه برای خودم می‌خواهم و نه برای رفاه خودتان، که برای حق می‌خواهم. این کافی نیست که انسان‌های مرفهی بسازیم، بلکه باید برای آنها جهتی و راهی را در نظر بگیریم که آنها پس از رفاه و تکامل استعدادها در آن راه بیفتند و آن جهت را انتخاب کنند.

۵- گام‌های رسول

رسول برای این رهبری و این ولایت با آن ضرورت و با این هدف گام‌های بلندی برداشت و تا امروز راه ما روشن نمود. الف. نص او از روزهای اول دعوت تا واپسین لحظه‌های حیات، همیشه علی را نشان می‌داد و سفارش می‌کرد که بر او جلو نیفتید که گمراه می‌شوید و از او کنار نکشید که از دست می‌روید. احادیث غدیر و ثقلین و منزلت و و در کتاب‌ها جمعند. اما بعدها دیگران به خاطر اینکه کفر صحابه و ارتداد آنها پیش‌نیاید نصوص را رد کردند و یا تاءویل نمودند و در نتیجه به آنچه در نوشته‌های خود جمع کرده بودند بی‌اعتنا ماندند و حتی چشم عقل خویش را بستند. و هدف حکومتی اسلام را نادیده گرفتند و حکومت اسلامی را تا حد استعمار و چپاولگری و فتوحات و غنایم پایین آوردند و عاقبت گرفتار بدعت و اشرافیت و تبعیض و درگیری و تجزیه نمودند. از هنگامی که اسلام از مسیر ولایت بیرون آمد، از همان غروب کرده بود، گرچه واپسین شعاع‌های طلایی آن تا هزار و سیصد سال بعد ادامه داشت. اما این شعاع‌ها دیگر حرارت و زایش و نوری نداشت، سرد و تاریک و غمرنگ بود. از مرگ، از غروب خیر می‌داد. ب- زمینه‌سازی رسول که سرسختی دنیاطلب‌ها و سلطنت خواهان را می‌دید برای اینکه مدینه برای علی خالی بماند و زمینه برای او فراهم شود، تمامی آنها را تحت سرپرستی جوانی هجده ساله و روانه سرزمین‌های دور کرد و

بر هر کس که تخلف کند نفرین فرستاد، اما آنها که هدف را فهمیده بودند، به بهانه این که چگونه محمد را رها کنیم و چگونه او را در بستر مرگ بگذاریم و خبرش را از کاروان ها بگیریم ، از مدینه نرفتند و ماندند و نفرین رسول را بر خود خریدند و جامعه اسلامی را به بن بست کشاندند و کردند آنچه کردند. ج - نوشته و کتاب در نتیجه ، رسول به خاطر این که کار را یک سره کند و ابهامی باقی نگذارد، در آخرین لحظه که همه جمع شده بودند، قلم و کتفی را طلب کرد تا آنها گمراه نشوند، اما آنها به قرآن قناعت کردند و با رسول مخالفت نمودند. و رسول که پافشاری آنها و مخالفتشان را دید، دیگر جهتی برای نوشتن نداشت . کسانی که روبروی رسول گفته او را نمی پذیرند، پس از مرگ با این نوشته ها چه خواهند کرد؟ د - نشانه ها و علامت ها رسول که تنهایی خویش و تنهایی علی و تنهایی و بی پناهی مردم بیگانه از خواب و این رهبر زنده ، حتی با مرگ ، هیچگاه اینها را، این توده تنها را در کنار آوازه گر ها و در دست گرگ ها رها نمی کند، اینها هر چند از نوشتن و کتابت او جلوگیری کنند، از نشانه ها و علامت هایش نمی توانند جلوگیری باشند. و این است که رسول آگاه و بیدار، علی را در تمام دوره ها یاری می دهد و توده بی پناه را با علامت ها به خویش ، به علی و به حق ، می خواند و از دیگران می ماند . این علامت ها، انسان های گویا، فاطمه ، ابوذر، عمار و همراهی قرآن روشنگر است . فاطمه ، در دوره ابوبکر و عمر، ابوذر، در زمان عثمان ، عمار، در برابر معاویه ، و همراهی قرآن تا امروز. رسول بارها گفته بود فاطمه از من است و کسانی که او را به خشم بیاورند مرا و خداوند را به خشم آورده اند. (۲۰) و فاطمه بر آنها خشمناک بود و حتی گویی او گواه این خشم است . و رسول گفته بود، آسمان بر راستگوتر از ابوذر سایه نینداخته است . و این زبان قاطع و صادق رویاروی عثمان بود. و رسول گفته بود که عمار را، گروه ستمگر می کشند. و عمار در کنار علی بود و شمشیرش بر گلولی معاویه . (۲۱) و رسول گفته بود که جانشینان من دوازده نفرند و گفته بود: من دوی چیز را در میان شما می گذارم که مانع گروهی و چراغ را شما هستند. این دو، از هم جدا نخواهند شد تا این که در حوض بر من وارد شوند. و امروز جز شیعه با این گفته همراه نیست ؛ که دیگران امروزها در کنار این همه تجزیه و همراه این همه حاکم ، خلیفه و حاکم و اولی الامری ندارند. آنها قرآن و خلیفه را از هم جدا کردند، در حالی که رسول به همراهی آنها شهادت داده بود. همانطور که با زبان گویایش از یوم الانذار... و یا دست بلندش در غدیر... و با تقاضای قلم ، در واپسین لحظه های زندگی و با فاطمه و ابوذر و عمار در دامن تاریخ ، این رهبری ، این ولایت ، این سرپرستی را، گواهی داده بود و راه علی را به نور بسته بود. درود بر آنها که الله سرپرست و رسول چراغ و علی جلودارشان است . درود بر آنها که چنین راهی را، با سر رفته اند.

پاورقی

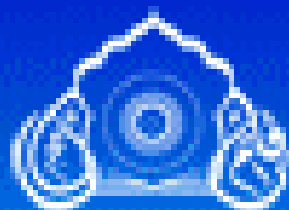
۱- اقبال سید بن طاووس ، ص ۴۶۲، خطبه امام امیرالمؤمنین (ع). ۲- بنی الاسلام علی خمس . علی الصلوة و الزکوة و الحج و الصوم و الولاية و لم یناد بشیء کما نودی بالولاية . وسائل الشیعة ، ج ۱، باب اول روایة ۱. ۳- اذله علی المؤمنین اعزة علی الکافرین ، مائده ، ۵۴. ۴- ... لا-التغی بک بدلا ولا اتخذ من دونک ولیا - مفاتیح الجنان ، زیارت امام زمان (عج). ۵- کلمة لا اله الا الله حصنی و ولایت علی بن ابیطالب حصنی ، این ؛ دو، حصن و پاسدار انسان هستند و جلوگیری از ضایع شدن ها و از دست رفتن ها. ولایت ادامه توحید است و خود توحید. ۶- احزاب ، ۶. ۷- کافی ، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۳. ۸- اشاره به آیه ۳۳ از سوره احزاب . ۹- زمر، ۵۶. ۱۰- يجعل لكم نورا تمشون به ، حدید، ۲۸. کافی ج ۱، باب الحج ، ح ۳. ۱۱- يجعل لكم فرقانا، انفال ، ۲۹. ۱۲- اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت الاسلام دينا. مائده ، ۳. ۱۳- بعثت لا- تمم مكارم الاخلاق ، بحار، ج ۶۷، ص ۳۷۲. ۱۴- الله ولي اللذين آمنوا يخرجهم من الظلمات الى النور . بقره ، ۲۵۷. الله نور السموات و الارض . نور، ۳۵. ۱۵- يا نار الله و ابن ثاره . زیارت عاشورا. قاموس الغه : الثارت الدم و الطلب به . ۱۶- السلام عليك يا امين الله في ارضه و حجة علي عباده . مفاتيح ، زیارت الله . ۱۷- السلام عليك يا نور الله في ظلمات الارض . زیارت حضرت رضا عليه السلام . ۱۸- علی میکرب ها را بر نمی

دارد که مزاج‌ها را واکسینه می‌کند تا خود با میکروب‌ها درگیر شوند. و این رهبری سنگین‌ترین رهبری هاست. علی می‌گفت: توده‌ها هنگامی که شب ستم را پشت سر می‌گذاشتند در صبح آزادی باز از ستم رهبر می‌هراسیدند، اما من هنگامی که به صبح حکومت رسیدم باز از ستم توده‌ام وحشت دارم. لقد اصبحنا الامم تخاف ظلم و رعاتهم و اصحبت اخاف ظلم رعیتی. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۹۷. ۱۹- نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۱۳۶. ۲۰- کسانی روایت‌هایی ساختند که، رسول این جمله را در هنگامی گفته که علی، فاطمه را به خشم آورده بود و فکر ازدواج داشت. دشمن آرام نمی‌گیرد. ۲۱- معاویه با مرگ عمار بدست و پافتاد و حيله‌ها زد که عمار را علی کشته، چون او را به میدان آورده است. در اینجا بود که شاعران علی جواب‌ها دادند که اگر این باشد پس قاتل شهیدان جنگ‌های بدر و احد محمد است، نه دشمنان محمد. کشته‌حمزه اوست، نه وحشی مهدور.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث‌های بی محتوا در تلفن‌های همراه و رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می‌توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده‌ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه‌ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۴) ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان

شرکت کننده در جلسه ی) برگزار می‌دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

